



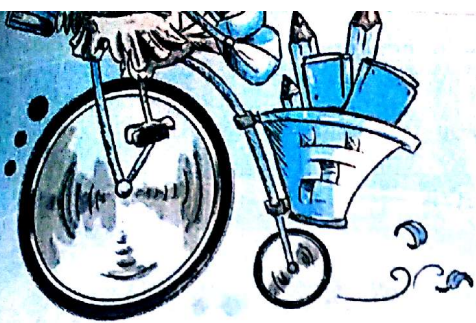
بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی



واژه نامه

تحسین کردن: آفرین گفتن، ستایش کردن،
تعریف کردن

مکایت

زر: طلا

پُرد: برد

طلبید (طلبیدن): خواست

باز نیافت (بازیافتن): پیدا نکرد

هیچ درمان ندانست: هیچ کس راه چاره اش را
نمی دانست

حاصل کنم: به دست آورم، پیدا کنم

طبيب: پزشک

اشارت: اشاره

به نرمی و درشتی: با مهربانی و خشونت

کدو بُن: بوته ی کدو، گیاه کدو

کهن سال: پیر، قدیمی، سالخورده

قامت: قد

برتر: بهتر (در اینجا یعنی بلندتر)

کاهلی: تنبلی، سستی

داوری: قضاوت

مهرگان: پاییز، اوایل پاییز (ایرانیان باستان روز

دهم مهر جشنی به نام «جشن مهرگان» برگزار

می کردند.)

بفوان و بیندیش

جارچی: کسی که در روزگار گذشته خبرهای

مهم را با صدای بلند به اطلاع مردم می رساند.



پرسید از آن چنار که «تو، چند ساله ای؟» گفت: «دویست باشد و اکنون زیادتی است»
 [کدو بُن] از آن چنار پرسید تو چند ساله ای؟ [چنار] جواب داد: دویست سال و کمی بیش تر (کمی بیش تر از دویست سال).

خندید از د کدو، که «من از تو، به بیست روز برتر شدم، بگو تو که این گاهلی چیست؟»
 کدو به او خندید و گفت: من در بیست روز از تو بلندتر شدم، بگو تنبلی تو برای چیست؟ (چرا این قدر تنبلی؟)

او را چنار گفت: «که امروز، ای کدو با تو مرا هنوز، نه هنگام دآوری است

چنار به او گفت: ای کدو امروز هنوز وقت قضاوت نیست، ...

فردا که بر من و تو، و زرد باد مهرگان آنکه شود پدید، که نامرد و مرد کیست.

وقتی فردا (در آینده) باد پاییزی بر من و تو بوزد، معلوم می شود چه کسی مرد و چه کسی نامرد است. (چه کسی واقعاً قوی است و چه کسی به ظاهر برتر و بلندتر و قدرتمند است، اما واقعاً ضعیف.)

- ۱ کدو بُن، در کنار چنار روید. درست
- ۲ بوته ای کدو پس از بیست روز محصول می دهد. نادرست
- ۳ باد مهرگان، کدو و چنار را از بین می برد. نادرست

- ۱ عمر درخت چنار و بوته ای کدو، هر کدام در این داستان چقدر بود؟ درخت چنار بیش از دویست سال و بوته ای کدو، بیست روز.

۲ چرا کدو پس از شنیدن سنّ چنار، به او خندید؟ کدو، چنار را مسخره کرد و به او گفت: من در بیست روز از تو بلندقدتر شده‌ام و این نشان تنبلی تو در رشد است.

۳ چنار قضاوت در مورد خود و بوته‌ی کدو را به چه زمانی موکول کرد؟ چرا؟ هنگام پاییز (مهرگان) که بادهای تند می‌وزد و ساقه‌ی لاغر و سست کدو به راحتی می‌شکند، اما تنه‌ی قوی چنار خیر.

۴ به نظر شما، حق با چنار بود یا بوته‌ی کدو؟ دلیل بیاورید. حق با چنار بود. زیرا برتری ظاهری، دلیل و معیار قدرتمندی واقعی نیست.

صفحه‌ی ۴۰ کتاب درسی



حالا شما بگویید:

- چنار بُن: درخت چنار

- بید بُن: درخت بید

- خار بُن: بوته‌ی خار

صفحه‌ی ۴۵ کتاب درسی



۱ امپراتور در چه فصلی دانه‌ی گل‌ها را به بچه‌ها داد؟ از کجا فهمیدید؟ در فصل بهار؛ زیرا امپراتور یک سال به بچه‌ها فرصت داده بود و بعد از گذشت یک سال، بچه‌ها در بهار گلدان‌های خود را به قصر بردند.

۳ چرا با وجود اینکه گلدان‌ها، پر از گل‌های خوش‌بو و زیبا بودند، امپراتور خوشحال نبود؟ چون می‌دانست دانه‌هایی که او به بچه‌ها داده است پخته هستند و امکان سبز شدن ندارند، اما آن‌ها با فریب، دانه‌های دیگری کاشته بودند و اگرچه گل‌های زیبایی پرورش داده بودند، اما درستکاری و شجاعت نداشتند.

۴ دلیل نگرانی پینگ چه بود؟ نگران بود بچه‌ها به او بخندند و امپراتور او را سرزنش کند.

۵ پینگ چه کارهایی انجام داد تا دانه‌ها به خوبی رشد کنند؟ به ترتیب بیان کنید.

۱. گلدانش را با خاک خوب و مناسب پر کرد.

۲. دانه‌اش را با دقت در آن کاشت.

۳. گلدان را در آفتاب گذاشت.

۴. هر روز به گلدان آب داد و بعد از اینکه دید دانه‌ها رشد نمی‌کنند؛

۵. دانه‌ها را در گلدان بزرگ‌تری کاشت.

۶. خاک گلدان را عوض کرد.

۷. از آن‌ها مراقبت کرد.

۶. با توجه به متن، جمله‌ها را به ترتیب رویدادها شماره‌گذاری کنید.

۳. روزی امپراتور، دانه‌های مخصوصی را برای کاشتن و پرورش دادن زیباترین گل به بچه‌ها داد.

۵. امپراتور، شجاعت و راست‌گویی پینگ را تحسین کرد.

۲. امپراتور می‌خواست جانشینی برای خود انتخاب کند.

۴. همه‌ی بچه‌ها به جز پینگ، با گلدان‌های زیبا در قصر جمع شدند.

۱. همه‌ی مردم چین به گل‌ها و گیاهان علاقه‌ی زیادی داشتند.

صفحه‌ی ۴۶ کتاب درسی

پیام این حکایت، با کدام یک از مَثَل‌های زیر، ارتباط دارد، دلیل انتخاب خود را توضیح دهید. بار کج به منزل نمی‌رسد. هر کاری که بر اساس نیرنگ باشد، به سرانجام نمی‌رسد. فردی که طلاها را دزدیده بود، نتوانست از آن‌ها استفاده کند و مجبور شد آن‌ها را به صاحبش بازگرداند.